

مطالعه جامعه‌شناختی قانون‌گریزی با تأکید بر حوزه راهنمایی و رانندگی

(مورد مطالعه: استان خوزستان)

ابراهیم میرزایی^۱

از صفحه ۱۹۳ تا ۲۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: قانون‌گریزی از قوانین راهنمایی و رانندگی و پیامدهای ناشی از آن مانند کشته‌ها و مجروحان، بر اساس آمارهای مراکز انتظامی و پزشکی، در کشور ایران یک مسئله اجتماعی است که تمام سطوح جامعه در ابعاد فردی، خانوادگی و ملی را درگیر کرده و هر ساله آثار زیان بار اقتصادی و اجتماعی وسیعی را به دنبال دارد. هدف مقاله حاضر، مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گریز از قوانین راهنمایی و رانندگی است.

روش: پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی - تبیینی و با روش غالب کمی - پیمایشی است. جامعه آماری از بین شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال انتخاب و حجم نمونه آماری با سطح اطمینان ۹۶ درصد و خطای ۴ درصد برابر با ۶۱۳ نفر محاسبه و نمونه آماری هر شهرستان با لحاظ کردن نمونه متناسب با حجم جمعیت هر کدام از شهرها برآورد شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرهای وارد شده در معادله، اثر مستقیم بر گریز از قوانین و مقررات رانندگی داشته که به ترتیب میزان اثر آن‌ها عبارتند از: آگاهی قانونی (۰/۱۳۹)، پیوند اجتماعی (۰/۱۳۴-)، احساس آنومی (۰/۱۱۲) و عدالت رویه‌ای (۰/۰۸۶). متغیرهای آگاهی از قوانین، عدالت رویه‌ای و پیوند اجتماعی با قانون‌گریزی رابطه منفی دارند و متغیر احساس آنومی با آن رابطه مثبت را نشان می‌دهد. همچنین با استفاده از معادله رگرسیونی مشخص شد که اجرای عدالت رویه‌ای و به‌طور کلی برخورد و چگونگی تعامل مأموران پلیس (برخورد احترام‌آمیز و همراه با بی‌طرفی) در مقایسه با احساس آنومی، آگاهی قانونی و پیوند اجتماعی، سهم بیشتری در رفتار قانون‌گریزانه آنان دارد.

نتیجه‌گیری: با عنایت به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود که با استفاده از رسانه‌های جمعی، تابلوها، فیلم‌ها، برگزاری کلاس‌های آموزشی قبل و بعد اخذ گواهینامه، پرداختن به آموزش گروه‌های سنی پایین از طریق مدارس و استفاده هرچه بیشتر از فضای مجازی به سطح آگاهی و دانش شهروندان در مورد آگاهی از قوانین راهنمایی و رانندگی اهتمام ورزیده شود. همچنین با توجه به نقش و سهم بیشتر اجرای عدالت رویه‌ای، به آموزش هرچه بیشتر و کاربردی مأموران پلیس در ارتباط برخورد احترام‌آمیز و توأم با بی‌طرفی با متخلفان پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: قانون، قانون‌گریزی، راهنمایی و رانندگی، استان خوزستان.

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، (نویسنده مسئول)، Ebrahimmirzae2013@gmail.com

مقدمه

زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و لازمه زندگی اجتماعی، نظم و امنیت است. اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و غیررسمی است که افراد در زندگی روزمره آن‌ها را رعایت می‌کنند. جوامع با توجه به اهمیت این هنجارها، سازوکارها و ضمانت‌های اجرایی متفاوتی برقرار می‌کنند. نظم در جامعه‌شناسی به هر عمل‌الگویی یا هر قانونمندی که در رفتار مردم نمایان است، اشاره دارد (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۲۲). زندگی اجتماعی انسان‌ها به وسیله هنجارها، قوانین و مقررات اداره می‌شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتارشان را به‌عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کند، بی‌اعتنایی کنند، فعالیتشان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱)؛ آنگاه نظم و انسجام اجتماعی مختل می‌شود و در آن صورت، افراد جامعه با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است، هم‌نوا نگردیده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌گریزی می‌شوند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵). از جمله پدیده‌ها و عواملی که نقش تقویت‌دهنده، انسجام‌بخشی اجتماعی، تنظیم و درنهایت تأمین‌کننده نظم اجتماعی در جامعه را بر عهده دارد، قانون^۱ است که افراد جامعه در پرتو آن می‌توانند علاوه بر بهره‌مندی از زندگی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند؛ بنابراین می‌توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای با توجه به قانون و رعایت آن است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۸). قانون در ادبیات جامعه‌شناسی شامل نظام هنجارهای استاندارد شده است که برای تنظیم اعمال انسانی و در جهت تحقق نظارت اجتماعی به‌گونه‌ای علنی استوار یافته است (بوشان^۲، ۱۹۹۴: ۱۵۸، به نقل از محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶۶). جامعه ایران به دلایل زیادی

1.law

2.Bhushan

گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه‌شناسی از آن به‌عنوان بی‌هنجاری یاد می‌شود که تحت تأثیر چند عامل مثل جوان‌بودن ساخت نسبی جمعیت ایران، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با جوامع دیگر و برخی تحولات اقتصادی - اجتماعی حاد در جامعه تشدید شده است. یکی از آثار و عوارض آشکار شیوع بی‌هنجاری در جامعه امروز ما، قانون‌گریزی و نظم‌گریزی است که به‌شکل گسترده ظاهر شده است (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۴۴).

نتایج عمده کتب، پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های مربوط به جامعه امروز ایران (اعم از نظری - اسنادی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و ...) در ارتباط با نظم اجتماعی، انحرافات و قانون‌گرایی، نشان‌دهنده آشفتگی، گسیختگی اجتماعی، نابسامانی، قانون‌گریزی و فساد اجتماعی در ساختار کلی جامعه و ابعاد آن در همه سطوح اجتماعی است که در آن، تمایل به نظم و قانون‌پذیری کم می‌باشد. بالا رفتن جرایم (به‌طور کلی) در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده افزایش میزان قانون‌گریزی و کاستن از اهمیت قانون در بین افراد آن جامعه است. برخی از پژوهشگران، تخلف از قوانین و مقررات رانندگی توسط شهروندان و رانندگان را به‌عنوان یکی از نمودهای قانون‌گریزی و نشانه آنومی ذکر کرده‌اند (امیرکافی، ۱۳۹۳؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ فیروزجائیان و علی‌بابایی، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۸). تخلفات رانندگی به‌عنوان رفتاری انحرافی که طی آن قوانین و مقررات توسط رانندگان نقض می‌شود، ذکر شده است (احمدی و امیری، ۱۳۹۵، به نقل از میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶). ضرر و زیان ناشی از تصادفات که تنها یکی از پیامدهای تخلفات و نظم‌گریزی راهنمایی و رانندگی است، سالانه ۱/۳ درصد از تولید ناخالص ملی کشورهای در حال توسعه را هدر می‌دهد. روزانه در ایران، ۱۶۰۰ سال عمر به‌دلیل حوادث ترافیکی از دست می‌رود (آل‌عمران و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). همچنین طبق گزارش‌های ناجا، میزان خسارات تصادفات در ایران معادل ۳۳ سال بودجه راهداری کشور و ایجاد ۲ میلیون فرصت شغلی برای جوانان است (احمدی، ۱۳۸۸، به نقل از

میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶).

از سوی دیگر برآورد شده است که در صورت عدم برنامه ریزی شفاف بر مبنای «روش‌های علمی تجربه‌شده»، تلفات جاده‌ای ایران در سال ۱۳۹۹ با کمترین تخمین حدود ۴۰ هزار نفر و مجروحان حدود ۵۲۰ هزار نفر خواهد بود (عصاریان نژاد و مهری، ۱۳۹۵: ۴۱). همچنین شاخص‌هایی همچون صدور سالانه ۵۰ میلیون قبض برگ جریمه رانندگی در کل کشور، برابری جریمه‌های رانندگی یک روز تهران با یک سال قاره اروپا و مواردی دیگر نشان‌دهنده این است که بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی از سوی شهروندان به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده نظم ترافیکی در جامعه ایران، یک مسئله اجتماعی است. مهم‌تر اینکه بر اساس گزارش پلیس راهور از بین رانندگان متخلف، تنها ۲۲ درصد از آنان پس از اعمال قانون تخلف خود را می‌پذیرند و ۷۸ درصد روش‌هایی مانند توهین به مأمور، تطمیع مأمور، تهدید مأمور و چانه‌زنی را دنبال می‌کنند. همه این موارد به معنای بی‌توجهی به قانون و مقررات موجود در جامعه و توسل به راه‌های غیرقانونی می‌باشد که در آن، جهت‌گیری‌های فردی را بر جهت‌گیری‌های جمعی اولویت و ارجحیت داده‌اند.

استان خوزستان به عنوان یکی از استان‌هایی که هشت سال به طور مستقیم درگیر و شاهد جنگ تحمیلی بوده، در حوزه‌هایی مانند نفت، صنعت، کشاورزی و... واجد شرایطی بسیار مناسب می‌باشد. این استان در وضعیتی متناظر با جامعه ایران، از یک سو دارای تنوع قومی و زبانی و با گذر از وضعیت سستی و قراردادی در معرض تغییر و تحولات ناشی از مدرنیته از سوی دیگر، تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف جامعه را تجربه کرده و تجلی و پیامد چنین تغییراتی را در ارتباط با شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی و به‌طور کلی قانون‌گریزی را می‌توان مشاهده کرد. رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا، استان خوزستان را یکی از استان‌هایی معرفی کرد که در آن، بیشترین تخلفات حادثه‌خیز ثبت شده است (۹۴/۶/۲۱). بر

اساس گزارش مراکز پزشکی قانونی استان خوزستان، آمار متوفیان و مصدومان ارجاعی ناشی از حوادث رانندگی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۲۶۶۰، ۲۱۰۶۴، ۲۰۳۴۳ و ۲۰۹۲۲ می‌باشد. این آمار تنها ناظر به بخشی از تلفات و مصدومان رانندگی است که گزارش داده می‌شود و خیلی از آمارها اعم از تخلفات و تصادفات، جراحات سطحی و... به هیچ مرکز قانونی ارجاع داده نمی‌شود؛ بنابراین در واقعیت، شاهد فراوانی چند برابر این گزارش‌ها می‌باشیم و بر این اساس با نگاهی به آمارها و چگونگی جرایم در استان خوزستان می‌توان شاهد نرخ و میزان جرایم و قانون‌گریزی بالا در ارتباط با قوانین راهنمایی و رانندگی در این استان بود. به‌طورکلی، وجود نرخ بالای جرایم در استان (ناآرامی‌های قومی، قتل، اسلحه‌کشی، تخلفات ترافیکی - رانندگی، سرقت، اختلاس‌ها و...)، نمود و پیامدهای ترجیح و اولویت هنجارها و انتخاب‌های سستی بر ملاک و رویه‌های قانونی و به‌طورکلی عدم تمکین به قانون از سوی افراد جامعه است که ضرورت و اهمیت مطالعه موضوع را دوچندان می‌کند. بدین ترتیب مدعای تبیینی یا مسئله پژوهش، میزان تغییرات^۱ قانون‌گریزی با تأکید بر قوانین راهنمایی و رانندگی و این است که «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتارهای قانون‌گریزانه شهروندان در حوزه راهنمایی و رانندگی کدامند؟».

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پیشینه تجربی

مطالعه پژوهش‌های پیشین، یک بخش عمده از روش علمی است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا بینش وسیع‌تری نسبت به پژوهش‌های گذشته و روند فعلی پژوهش در موضوع موردنظر خود به دست آورد. منابع تجربی مربوط به کنش‌های قانون‌گریزی را می‌توان به دو دسته کلی عام و خاص تقسیم نمود. در اینجا بنا به

1. Variation

موضوع پژوهش، به اختصار به منابع خاص قانون‌گریزی در حوزه راهنمایی و رانندگی در قالب جدول زیر پرداخته می‌شود.

جدول ۱. گزارش پیشینه‌ها

سال	متغیرهای اثرگذار و معنادار	موضوع پژوهش	محقق
۱۳۹۰	میزان آگاهی از قوانین راهنمایی و رانندگی	بررسی آگاهی از قوانین راهنمایی و رانندگی و تخلف رانندگی در بین رانندگان	احمدی، سیروس
۱۳۹۵	نحوه برخورد با متخلف، نقص قوانین، اجرای ناکامل قوانین و بازدارنده‌بودن جرایم	تخلفات رانندگی چرا؟	امیری، موسی
۱۳۹۳	قصد رفتاری، احساس کنترل رفتاری، عدالت روه‌ای و احساس الزام	بررسی عوامل مؤثر بر تخلفات رانندگی موتورسواران (مطالعه‌ای در شهر کرمان)	امیرکافی، مهدی
۱۳۹۰	ناآشنایی با مقررات راهنمایی و رانندگی	بررسی انگیزه تخلفات از دیدگاه رانندگان وسایل نقلیه شخصی شهر اصفهان	فراست، مرضیه و زهره صادقی
۱۳۹۵	رسانه‌های جمعی، تبلیغات، پیامک، اطلاع‌رسانی	نقش رسانه‌ها در کاهش تخلفات رانندگان	بصیرت، شهریار بهزاد و دعاگویان، داود
۱۳۹۲	سرمایه اجتماعی، آگاهی ترافیکی، سن	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیکی با نظم‌گریزی عابران پیاده	میرفردی، اصغر و احمدی، سیروس و امیری، راضیه
۱۳۹۵	هیجان‌خواهی، تجربه‌طلبی، ماجراجویی	پیش‌بینی رفتارهای پرخطر با توجه به نقش مدیریت هیجان در بین رانندگان شهر تهران	مؤمنی، اسکندر و حیدری، حمیدرضا
۱۳۹۴	احساس انومی، سلامت عمومی، عملکرد پلیس، جنسیت	بررسی علل قانون‌گریزی رانندگان متخلف	عزیزی، حمیدرضا
۲۰۰۸	رفتار برنامه‌ریزی‌شده، عوامل شناختی و فردی	رانندگان و نگرش در مورد سرعت غیرمجاز	وارنر و آبرگ
۲۰۱۲	هنجار گروهی، هیجان‌طلبی، پرخاشگری	فهم عوامل درونی مؤثر بر سلامتی و یا عدم سلامتی رانندگان موتورسوار	تایک لیف، واتسون و خونفلا
۱۹۹۲	هویت اجتماعی، هنجار اخلاقی	تبیین عوامل مؤثر بر ارتکاب تخلفات رانندگی	پارکر، منسند و استرادلینگ و ریزون
۲۰۱۲	عوامل درونی (مهارت)، بیرونی (فرصت‌ها، محدودیت‌ها)	شناسایی تعیین‌کننده‌های روان‌شناختی در رانندگی پرخطر	چارتون، کونر و جانسون
۲۰۱۰	هویت خود، هویت اجتماعی	تبیین نقش عوامل شناختی بر تخلفات رانندگی: رفتار پرسرعت	الیوت و تامسون
۲۰۰۵	هویت اجتماعی، هم‌ذات‌پنداری گروهی	تبیین نقش عوامل نگرشی زیربنایی در رانندگی	الیوت، آرمیتاژ و بوژان

مبانی نظری و مدل مفهومی

نظریهٔ آنومی اجتماعی: امیل دورکیم

به اعتقاد دورکیم، اگر شاهد فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد باشیم، افراد احساس سردرگمی در انتخاب های کنشی خود و عدم تطابق با نظام اجتماعی و در نتیجه وضعیت و حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی را تجربه می‌کنند. به بیانی دیگر، بی‌هنجاری یک وضعیتی است در ارتباط با گذر از سادگی به پیچیدگی بیشتر؛ شرایطی که تأثیر و نفوذ قانون سرکوبگر و مجازات متناسب آن بر کنترل تعاملات و رفتار و تعیین جایگاه افراد در موقعیتشان ناتوان است (فرانسیس، ۲۰۱۵: ۴۶). سه معنای متمایز آنومی عبارتند از:

۱- بی‌سازمانی شخصیت آن‌چنان که فرد خود را منحرف و متمرّد در برابر قانون نشان دهد؛

۲- شرایط و وضعیتی اجتماعی که در آن، هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماع آشتی و سازگاری پدید آورند؛

۳- وضع یا شرایط اجتماعی که فاقد هنجار باشد.

از نظر دورکیم، در ابتدا بنا به ماهیت و پویایی خرده‌نظام اقتصادی، شاهد صنعتی شدن سریع یا تغییر شتابان اقتصادی در این حوزه هستیم که علت اصلی آنومی است و در دوران موسوم به گذار که نوسازی اقتصادی و با تأخیر نوسازی اجتماعی در این جوامع صورت می‌گیرد، احتمال افزایش ناهماهنگی ساختاری و آنومی بیشتر می‌شود. هر جا بازار گسترش بیشتری بیابد، جا برای صنعت بزرگ بیشتر باز می‌شود و با پیدایش صنایع بزرگ به دگرگون کردن مناسبات اربابان و کارگران می‌انجامد. این شرایط جدید در حیات صنعتی، ناگزیر سازمان جدیدی می‌خواهد؛ اما چون این گونه دگرگونی‌ها با سرعت بسیار زیاد پیش می‌آیند، منافع و اغراض متعارض درگیر در

آن‌ها هنوز فرصت کافی نیافته‌اند که با یکدیگر متعادل شوند (دورکیم، ۱۳۸۴: ۳۲۷). همچنین دورکیم علاوه بر کاربرد این مفهوم در سطح ساختارها و تبیین نابهنجاری‌های کلان جامعه، مفهوم آنومی را به عنوان تبیینی جامعه‌شناختی به منظور فهم مسئله خودکشی (سطح خرد) به عنوان پیامدهای وضعیت آنومیک ساختار جامعه به کار برد. این مفهوم در سه معنای جداگانه و در عین حال هم‌بسته به کار رفته است: اول، به مفهوم نابسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستورالعمل رفتار برای وی می‌شود؛ دوم، به مفهوم وضعیت اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماع با یکدیگر در ستیز بوده و فرد برای انطباق با این قواعد و متابعت از آن‌ها دچار پریشانی می‌شود؛ و سوم، اشاره به وضعیتی اجتماعی دارد که در آن بین فرد و برخی هنجارهای اجتماعی و قواعد رفتار تضاد و ستیز است. در ارتباط با مسائل سطح خرد، دورکیم چهار شاخصه را در بروز نوعی از خودکشی یعنی خودکشی آنومیک در نظر می‌گیرد: تغییرات سریع و بحران‌های عمده اقتصادی - اجتماعی، آشفتگی در نظام جمعی و نظم عمومی جامعه، وجود مشاغل حرفه‌ای تخصصی و لیبرال و طلاق در بین خانواده‌ها (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۳۷). وضع بی‌هنجاری، وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و یا آنکه با یکدیگر ناهمساز گردیده و فرد برای هماهنگی با آن‌ها دچار سردرگمی و سرگشتگی می‌شود؛ لذا فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویش پناه برده و بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. توأم با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه آن، وجود ضمانت هنجارهای متقابل می‌باشد، کاهش یافته و افراد مشارکت کمتری در روابط اجتماعی خواهند داشت. به‌خاطر اینکه احتمال مورداسثمار قرار گرفتن توسط دیگران در هر لحظه وجود دارد، در نتیجه نابسامانی‌ها، کج رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت (مبارکی، ۱۳۸۳: ۹۶).

نظریه پیوند اجتماعی تریویس هیرشی

هیرشی، مهم ترین صاحب نظر رویکرد کنترل و نظارت اجتماعی در کتاب قیود اجتماعی^۱ با استفاده از مفهوم کنترل اجتماعی دورکیم و بسط این مفهوم، پیوند اجتماعی را عاملی تأثیرگذار در هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی ذکر می‌کند. به نظر وی، بهترین سازوکار کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته و پیوند بخوریم (تیو، ۲۰۰۵: ۱۵۸). به بیانی دیگر، نظریه کنترل اجتماعی بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، هم‌تایان، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، کج روی به حداقل ممکن تنزل خواهد یافت و در صورت از هم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، احتمال وقوع کج روی افزایش می‌یابد (کندال، ۲۰۱۰: ۳۰۴). به نظر وی، پیوند اجتماعی شامل این موارد است:

(۱) دل بستگی به هنجارهای افراد و نهادها: کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می‌گیرند و لذا مایل هستند با مسئولیت عمل کنند؛ یعنی تعلق خاطر به افراد و نهادها در جامعه، یکی از شیوه‌هایی که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

(۲) تعهد به هم‌نوایی: تعهد یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هرچقدر سرمایه‌گذاری آنان در تحصیلات، شغل، دوستان و... بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند تا برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران هم‌نوا باشند.

1.Social Bonds

2.Attachment to conventional people and institutions

3.Commitment to conformity

(۳) درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم^۱: افراد در هر جامعه، وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره متعهد بوده، از کج رفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده‌اند حفظ کنند.

(۴) اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه^۲: اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی، راه را برای کج رفتاری هموار می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳).

وی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در فرد، ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند؛ بنابراین و طبق این رویکرد، بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آن‌ها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه از یک سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای جامعه از سوی دیگر رابطه مستقیم و با احتمال کج رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶-۲۶، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳).

نظریه عدالت رویه‌ای: تام تیلر

تام تیلر با استفاده از سنجه‌های مربوط به متغیر عدالت رویه‌ای، به نقش و تأثیرگذاری این متغیر در شکل دهی و چرایی اطاعت افراد از قانون در جامعه پرداخته است. بر اساس دیدگاه هنجاری وی، قانون‌گرایی و اطاعت افراد از قانون ناشی از تعهد، احساس، الزام و تکلیف بیرونی هنجارهای جامعه و هم‌زمان دستیابی به تأیید ذهنی

1. Involvement in conventional activities

2. Belief in the moral validity of social

درونی نسبت به هنجارهای اجتماعی در پرتوی عوامل موقعیتی پیرامون فرد است که به واسطه فرایند اجتماعی شدن، درونی شده‌اند؛ یعنی فرایند کنترل از اجبار و اقتدار بیرونی شروع و به درون شخص و خودکنترلی ختم می‌شود. طبق دیدگاه هنجاری، دستیابی به همکاری داوطلبانه عموم با مجریان قانون و پیروی آنان از قواعد قانونی مستلزم درونی کردن ارزش‌هایی است که اطاعت^۱ را تشویق می‌کند (امیرکافی، ۱۳۹۲: ۱۵).

از نظر تیلر، دو مدل برای رابطه با همکاری و پیروی مردم از قانون و مجریان قانون وجود دارد؛ وی مدل اول را مدل کنترل اجتماعی یا مدل ابزاری می‌نامد که در آن، مردم به وسیله منافع شخصی ترغیب می‌شوند. دومین مدل، مدل مشروعیت یا هنجارهای اجتماعی است. بر اساس این مدل، دیدگاه‌های مردم درباره مشروعیت نهادی و قانون، همکاری و پیروی آن‌ها را از قوانین و مجریان قانون تحت تأثیر قرار می‌دهد. در رویکرد کنترل اجتماعی یا ابزاری استدلال می‌شود که کنش‌های مردم به وسیله منافع شخصی‌شان، در شکل ضمانت‌های اجرایی یا مشوق‌ها کنترل می‌شود. از نظر تیلر در رویکرد ابزاری، منافع کوتاه‌مدت برخی مردم به جای اطاعت از قانون، قانون را می‌شکنند.

راهبردهای کنترل اجتماعی بر مدل بازدارندگی رفتار انسانی مبتنی است؛ اما در رویکرد هنجاری یا غیرابزاری، اکثر مردم به خاطر این از قانون اطاعت می‌کنند که آن‌ها آن را مشروع می‌دانند. به عبارت دیگر قانون، هنجارهای اخلاقی و ارزشی را اظهار می‌دارد که در سطح گسترده‌ای به وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط و تابع پذیرفته می‌شود. او این رویکرد را «خودتنظیم کننده»^۲ می‌نامد؛ به دلیل اینکه آن روی هنجارها، ارزش‌ها و ترجیح‌های مردم استوار است. بر اساس این رویکرد، وقتی مردم در ارتباط

1.Compliance
 2.Self-Regulatory

با مجریان قانون قرار می‌گیرند، رفتارشان به دلیل هنجارها و ارزش‌های مشترک با قانون ممکن است بیشتر تحت تأثیر انگیزش‌های درونی و کمتر تحت تأثیر ضمانت‌های اجرایی و یا مشوق‌ها قرار گیرد. در حقیقت، شهروندان مسئولیت پیروی از قانون را در درونشان می‌پذیرند (تیلر و همکارانش، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸، به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۸۸).

به نظر تیلر، دو عامل مهم که وابسته به نوع تعامل مجریان قانون با مردم و تجربه‌هایی که مردم در این زمینه کسب می‌کنند می‌باشد، در دستیابی به اطاعت داوطلبانه نقش مهمی دارند: اصول اخلاقی^۱ و مشروعیت^۲ (۱۹۹۸: ۸۵۹). وی این رویکرد را غیرابزاری می‌نامد که در آن، نظم اجتماعی بر جلب رضایت و همکاری عموم با قانون و مجریان قانون مبتنی است. از نظر او، مشروعیت با اتکا به قضاوت‌های ابزاری حاصل نمی‌شود، بلکه ریشه در قضاوت‌های عدالت‌رویه‌ای^۳ دارد؛ یعنی انگیزش مردم به حفظ نظم و همراهی با قانون، ریشه در روابط اجتماعی و قضاوت‌های اخلاقی دارد و اساساً از میل یا اجتناب از مجازات یا به‌دست‌آوردن پاداش‌ها تأثیر نمی‌پذیرد. تیلر، رویکرد خود را رویکرد مشروعیت می‌نامد که بر احساس الزام مردم به اطاعت از تصمیمات مجریان قانون تأکید دارد. وی برای مشخص کردن چیستی عدالت‌رویه‌ای به مشخص کردن سه عنصر مهم که در گسترش احساس امنیت فرد در جامعه و باور به عادلانه‌بودن قضاوت‌ها راجع به رویه‌ها نقش دارند، می‌پردازد که عبارتند از: اعتماد، اعتبار و بی‌طرفی. بی‌طرفی بیانگر آن است که مجریان قانون در برخوردشان با همه، رفتارهای منصفانه‌ای از خود نشان می‌دهند. بی‌طرفی شامل درست‌کاری، رفتار بدون تبعیض و تصمیم‌گیری واقعی می‌شود. تبعیض قوی‌ترین نشانه فقدان بی‌طرفی است؛ به دلیل اینکه به مردم فرصت

1. Morality

2. Legitimacy

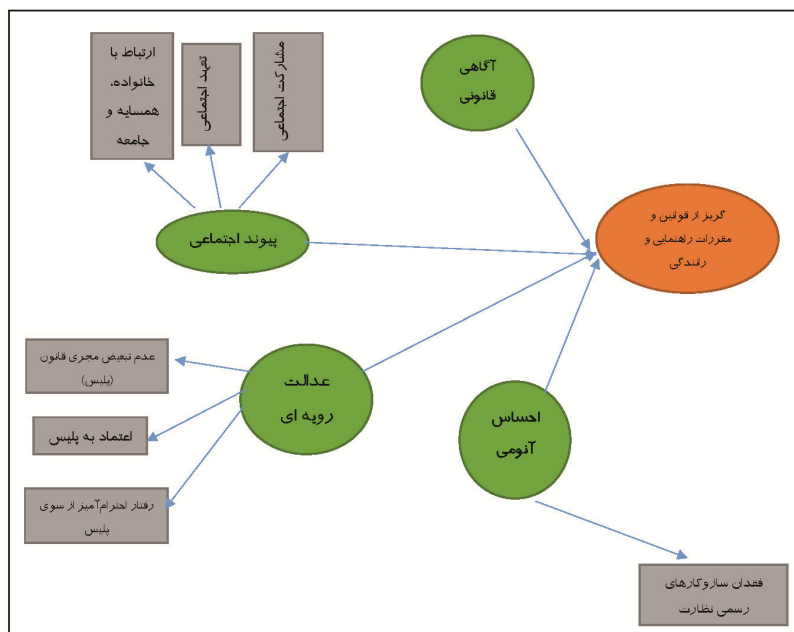
3. Procedural Justice Judgments

برابر برای دسترسی به منابع اجتماعی داده نمی‌شود. مردم تحت تأثیر میزان بی‌طرفی مجریان قانون قرار می‌گیرند. اعتبار مستقیماً با قضاوت‌های مردم درباره‌ی جایگاهشان در جامعه که تحت تأثیر رفتار شخصی‌شان با مجریان قانون می‌باشد، در ارتباط است (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۹۱). هنگامی که افراد با مجریان قانون سروکار پیدا می‌کنند، در طی تعامل، تجربه‌ها و اطلاعاتی کسب می‌کنند که از آن‌ها برای پی‌بردن به انگیزه‌ها و نیت مجریان قانون استفاده می‌کنند. جنبه‌ی کلیدی در باب برخورد با کیفیت بالا این است که بر اساس آن می‌توان استنباط کرد که انگیزه و نیت مجریان قانون خیرخواهانه است. این استنباط، تمایل افراد را برای پذیرش تصمیم مجریان قانون و اطاعت از مقررات تقویت می‌کند (تیلر، ۲۰۰۱: ۲۹۰). تیلر، رفتار محترمانه و بی‌طرف را قضاوت‌های رابطه‌ای می‌نامد و عقیده دارد این دو عامل، همراه با دیگر جنبه‌های تجربه‌ی افراد، در برخورد با مجریان قانون بر سومین قضاوت رابطه‌ای یعنی اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

بحث اصلی ادبیات مربوط به عدالت رویه‌ای این است که کلید ایجاد و توسعه‌ی اعتماد، عمل به شیوه‌هایی است که شهروندان عدالت را تجربه کنند (تیلر، ۲۰۰۸؛ مورفی، ۲۰۰۴: ۱۸۹، به نقل از امیرکافی، ۱۳۹۲: ۱۷). از نظر او، سه قضاوت درباره‌ی ۱- مجریان قانون، ۲- تصمیمات قانونی و ۳- قواعد قانونی به‌شدت تحت تأثیر عدالت رویه‌ای که از طریق تجربه و رابطه با مجریان قانون حاصل می‌شود، وجود دارد. در حقیقت، مردم در صورتی که تشخیص دهند شیوه‌هایی که تصمیمات اتخاذ می‌شوند عادلانه است، دیدگاهی منفی درباره‌ی قانون، مجریان قانون و نظام قانونی نداشته و از قوانین اطاعت می‌کنند؛ حتی اگر قوانین، نتایجی سودمند برای آن‌ها نداشته باشند. از نظر او مشروعیت قانون، کارگزاران قانون و قانون‌گذاران که خود تحت تأثیر عدالت رویه‌ای است، در پیروی افراد از قوانین تأثیر مستقیم دارد. به نظر

او، وقتی بحث از مشروعیت مجریان قانون به میان می‌آید، بحث پیروی داوطلبانه^۱ از قانون و مجریان مهم می‌شود. در حقیقت در این وضعیت، پیروی افراد از قانون داوطلبانه و بدون اعمال کنترل می‌باشد. مشروعیت، احساس الزام برای اطاعت از قوانین و پیروی از تصمیماتی است که به وسیله مجریان قانون اتخاذ می‌شود. بنابراین مشروعیت، ارزش اجتماعی مهمی را جدا از منافع شخصی نشان می‌دهد. از طریق مشروعیت، مجریان قانون می‌توانند پیروی و همکاری عموم را به دست آورند (تیلر و فاگان، ۲۰۰۸، به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۹۲).

مدل ۱. مدل مفهومی پژوهش



1. Voluntary Deference

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان پیوند اجتماعی و گریز از قوانین راهنمایی و رانندگی تفاوت معناداری است.

- بین میزان اجرای عدالت رویه‌ای از سوی مجریان و گریز از قوانین راهنمایی و رانندگی تفاوت معناداری است.

- بین میزان احساس انومی و گریز از قوانین راهنمایی و رانندگی تفاوت معناداری است.

- بین میزان آگاهی قانونی و گریز از قوانین راهنمایی و رانندگی تفاوت معناداری است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی - تبیینی و روش غالب آن، کمی - پیمایشی^۱ است. در این قسمت، سؤالاتی در قالب پرسشنامه طراحی و این سؤالات بر اساس یافته‌های نظری پژوهش شکل گرفته است. از آنجایی که پژوهش حاضر، پیمایشی است، در زمینه بررسی و مطالعه رابطه بین متغیرهای پژوهش با قانون‌گریزی در بین افراد، شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال استان خوزستان انتخاب شدند. نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای است که فهرستی از بلوک‌های هر شهر انتخاب و سپس از هر کدام از این بلوک‌ها خیابان و سپس کوچه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب و در نهایت درون هر کدام از کوچه‌های انتخاب شده به صورت تصادفی پرسشنامه‌های پژوهش توزیع و اطلاعات از افراد هر خانوار جمع‌آوری شدند.

1. Survey

شاخص‌سازی سازه‌های پژوهش

قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی: تخلف در قلمرو قوانین راهنمایی و رانندگی به معنای بی‌توجهی و تجاوز آگاهانه و یا ناآگاهانه، اختیاری یا اجباری رانندگان، سرنشینان، عابران پیاده، مأموران راهنمایی رانندگی، دارندگان احشام و به‌طور کلی افراد جامعه از حدود، مقررات و قوانین مصوب در استفاده از تسهیلات حمل و نقل و ترافیک است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۴)، به نقل از میرفردی و دیگران، (۱۳۹۲: ۳۱). بر این اساس، به نقض عمدی و آگاهانه رفتاری و هنجاری از قوانین مربوط به راهنمایی و رانندگی شامل شناخت و درک قواعد، اصول، علایم و وضعیت کلی مربوط به آن از سوی استفاده‌کنندگان، تخلف و قانون‌گریزی اطلاق می‌شود. دامنه و گستره تخلفات این حوزه، طیفی از رفتارهای متفاوت همچون «پارک کردن اتومبیل در مکان‌های ممنوع»، «رانندگی بدون گواهینامه» تا «درگیری فیزیکی با پلیس»، «گزارش‌ندادن خسارت به ماشین» و «سرعت غیرمجاز» را دربرمی‌گیرد. پاسخ‌ها با استفاده از طیف لیکرت از «همیشه = ۵» تا «هرگز = ۱» درجه‌بندی شدند.

پیوند اجتماعی: این مفهوم بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، هم‌تایان، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، کج‌روی به حداقل ممکن تنزل خواهد یافت و در صورت اذهم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، احتمال وقوع کج‌روی افزایش می‌یابد.

عدالت رویه‌ای: عدالت رویه‌ای بر قضاوت‌های افراد درباره رویه‌هایی که نهادها و افراد در اعمال قانون به کار می‌گیرند، تأکید دارند. بی‌طرفی، اعتبار، احترام و عدم تبعیض در رفتار، از جمله عوامل کلیدی در عدالت رویه‌ای است. بنابراین نبود عدالت رویه‌ای به معنای رفتارهای طرف‌دارانه، عدم احترام و تبعیض‌آمیز مجریان قانون با مردم است. در حقیقت، عدم عدالت رویه‌ای به شیوه اعمال قانون مربوط است. هرگاه مردم شیوه اعمال قوانین توسط مجریان قانون را ناعادلانه بدانند، قطعاً این تصور بر

اطاعت آنان از قوانین تأثیر منفی خواهد داشت (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۴۰۱).

یافته‌ها

نتایج نشان داد که ۴۸/۸ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۵۱/۲ مرد، و همچنین ۳۲/۶ از پاسخ‌گویان مجرد و ۶۷/۴ درصد متأهل هستند.

جدول ۲. توزیع رتبمندی نمره پاسخ‌گویان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
پیوند اجتماعی	۱۴/۷	۲۲/۸	۲۰/۱	۱۵	۲۷/۴
عدالت رویه‌ای	۴/۲	۱۴	۳۹/۳	۲۴/۳	۱۸/۱
احساس انومی	۱۳/۱	۱۷/۱	۲۷/۴	۱۴/۷	۲۷/۷
آگاهی قانونی	۱۱/۳	۱۴/۷	۳۲/۱	۱۹/۱	۲۲/۸
قانون‌گریزی راهنمایی رانندگی	۸/۶	۳۶/۹	۳۲/۳	۱۱/۴	۱۰/۸

چنانچه نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بالاترین اندازه به لحاظ متغیر پیوند اجتماعی خیلی زیاد (۲۷/۴)، متغیر عدالت رویه‌ای اندازه متوسط (۳۹/۳)، متغیر احساس انومی رتبه خیلی زیاد (۲۷/۷)، متغیر آگاهی از قوانین راهنمایی رانندگی حد متوسط (۳۲/۱) و متغیر قانون‌گریزی و تخلف از قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی کم (۳۶/۹) بوده است؛ یعنی داده‌ها نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان تا حد خیلی کم و کم از قوانین سرپیچی کرده و مرتکب قانون‌شکنی شده‌اند.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون T مستقل متغیرهای پژوهش با توجه به متغیر جنس

Sig	T	Std. Deviation	Mean	جنسیت	
۰/۲۸۶	-۹/۳۸۶	۲/۸۲۵	۱۰/۷۲	مرد	پیوند اجتماعی
		۳/۰۳۲۲	۱۲/۹۴	زن	
۰/۰۰۰	-۷/۰۹۲	۱/۲۵۱	۱۲/۵۳	مرد	عدالت رویه‌ای
		۲/۳۷۵	۱۳/۶۱	زن	
۰/۰۰۰	۳/۸۶	۴/۶۵۹	۱۷/۶۵	مرد	احساس انومی
		۳/۸۸۹	۱۶/۳۱	زن	
۰/۰۰۰	-۵/۵۶۶	۷/۶۷۰	۲۳/۳۹	مرد	آگاهی از قوانین
		۷/۱۹۵	۲۶/۷۴	زن	

بر اساس نتایج حاصل از آزمون T مستقل در جدول شماره ۴ می‌توان گفت در مورد متغیرهای عدالت رویه‌ای، احساس آنومی و آگاهی قانونی، تفاوت آماری معناداری بین زنان و مردان وجود دارد؛ اما درباره متغیر دیگر یعنی پیوند اجتماعی، تفاوت آماری معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون T مستقل متغیرهای پژوهش با توجه به متغیر وضعیت تأهل

Sig	T	Std. Deviation	Mean	وضعیت تأهل	
.۰۰۰۹	-۱/۱۹۲	۳/۲۲۹	۱۱/۵۹	مجرد	پیوند اجتماعی
		۳/۰۷۰	۱۱/۹۱	متأهل	
.۰/۰۰۱	.۰/۴۰۷	۲/۰۰۱	۱۳/۱۱	مجرد	عدالت رویه‌ای
		۱/۹۴۱	۱۳/۰۴	متأهل	
.۰/۰۰۰	-۷/۹۰۹	۵/۳۲۱	۱۵/۱۰	مجرد	احساس آنومی
		۳/۴۳۸	۱۷/۹۲	متأهل	
.۰/۹۶۳	-۱۰/۸۸۳	۶/۱۶۳	۲۰/۶۵	مجرد	آگاهی از قوانین
		۷/۳۵۹	۲۷/۱۴	متأهل	

بر اساس نتایج حاصل از آزمون T مستقل می‌توان گفت در خصوص متغیرهای پیوند اجتماعی، عدالت رویه‌ای و احساس آنومی، تفاوت آماری معناداری بین افراد متأهل و مجرد وجود دارد؛ اما در مورد متغیر آگاهی از قوانین، تفاوت آماری معناداری بین افراد متأهل و مجرد وجود ندارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت بین نظر متأهل‌ها و مجردها در این مورد تفاوتی وجود ندارد.

آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

پیوند اجتماعی	احساس آنومی	عدالت رویه‌ای	آگاهی از قوانین	قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی	
				۱	قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی
			۱	-۰/۴۷۲ ^{**}	آگاهی از قوانین
		۱	-۰/۳۴۲ ^{**}	-۰/۳۷۷ ^{**}	عدالت رویه‌ای
	۱	-۲۵۰ ^{**}	-۰/۲۷۰ ^{**}	۰/۱۸۲ [°]	احساس آنومی
۱	-۰/۲۵۸ ^{**}	-۰/۴۳۱ ^{**}	-۰/۴۸۰ ^{**}	-۰/۱۱۰ ^{**}	پیوند اجتماعی

همبستگی‌های به دست آمده نشان از رابطه معنی دار قانون‌گریزی با متغیرها دارد. در بین متغیرها، متغیرهای آگاهی از قوانین، عدالت رویه‌ای و پیوند اجتماعی، با قانون‌گریزی رابطه منفی دارند و متغیر احساس آنومی با آن رابطه مثبت را نشان می‌دهند. به بیانی دیگر می‌توان گفت بین دو متغیر احساس آنومی و قانون‌گریزی و تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، همبستگی مستقیم مثبت وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان احساس آنومی در بین افراد بیشتر باشد، میزان قانون‌گریزی آن‌ها بیشتر است. از سوی دیگر، داده‌ها حاکی از رابطه معکوس و منفی بین متغیرهای آگاهی از قوانین مربوط به حوزه راهنمایی و رانندگی، عدالت رویه‌ای و پیوند اجتماعی است؛ یعنی هرچه آگاهی قانونی، احساس و پنداشت از عدالت در جامعه و مجریان قانون و پیوند با جامعه کمتر باشد، شاهد قانون‌گریزی و تخلف بیشتری در ارتباط با رفتارها و اکشن‌های مربوط به رانندگی می‌باشیم.

جدول ۶. آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه^۱

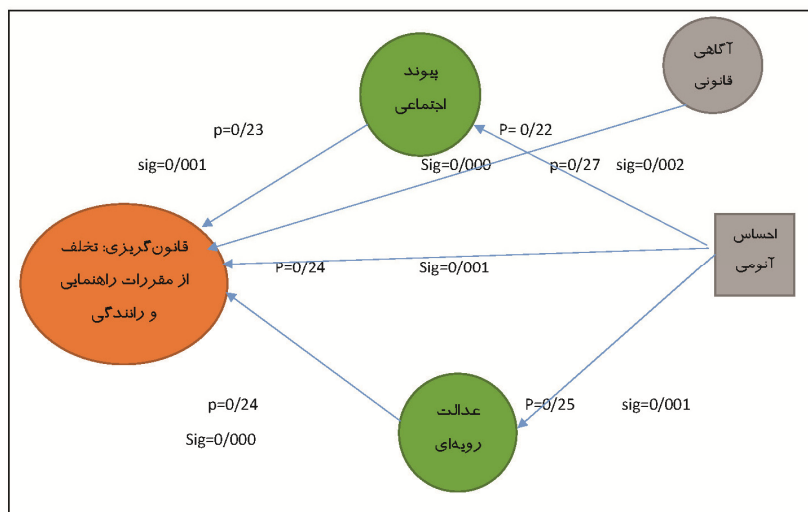
نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی رانندگی					ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی راهنمایی رانندگی				
Sig	ANOVA	R ² .adj	R ²	R	Sig	T	Beta	b	
۰/۰۰۰					۰/۰۰۰	۵/۳۸	---	۳۶/۹	مقدار ثابت
					۰/۰۰۰	۲/۷۰	۰/۱۱۲	۰/۶۹	احساس آنومی
					۰/۰۰۰	۲/۱۸	۰/۰۸۶	۰/۶۵	عدالت رویه‌ای
۰/۰۰۰	۳۷	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۰۰۶	۵۳/۳	۰/۱۳۹	۰/۵۴	آگاهی قانونی
					۰/۰۰۱	-۳/۳۵	-۰/۱۳۴	-۰/۰۷	پیوند اجتماعی

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم، تمام متغیرهای وارد شده در معادله اثر مستقیم بر تخلف از قوانین و مقررات رانندگی داشته که به ترتیب میزان اثر عبارتند از آگاهی قانونی (۰/۱۳۹)، پیوند اجتماعی (۰/۱۳۴-)، احساس آنومی (۰/۱۱۲) و عدالت رویه‌ای (۰/۰۸۶). با توجه به

نتایج می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد را به شرح زیر نوشت:
احساس آنومی (۰/۱۱) + اجرای عدالت رویه‌ای (۰/۸۶) + آگاهی قانونی (۰/۱۳) +
پیوند اجتماعی (۰/۱۳) = قانون‌گریزی و تخلف از قوانین و قواعد راهنمایی و
رانندگی

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در
متغیر مستقل، انجام رفتار قانون‌گریزانه به اندازه ۰/۱۳ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد.
در اینجا ملاحظه می‌شود که اجرای عدالت رویه‌ای و به‌طور کلی برخورد و چگونگی
تعامل مأموران پلیس (برخورد احترام‌آمیز، بی‌طرفی و...) در مقایسه با احساس آنومی،
آگاهی قانونی و پیوند اجتماعی، سهم بیشتری در رفتار قانون‌گریزانه شهروندان دارد.

تحلیل مسیر



مدل شماره ۲ که بر اساس یافته‌های تجربی پژوهش تنظیم شده است.

یافته‌های حاصل شده نشان‌دهنده اثر مستقیم آگاهی قانونی برابر با ۰/۲۹، احساس
آنومی برابر با ۰/۲۴، اجرای عدالت رویه‌ای برابر با ۰/۲۴ و پیوند اجتماعی برابر با
۰/۲۳ است. برای محاسبه ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها، تمام

مسیرهایی که به طور غیرمستقیم با متغیر وابسته ارتباط می‌یابد، در همدیگر ضرب می‌شود. بر این اساس، تأثیر کل احساس انومی بر قانون‌گریزی برابر است با تأثیر پیوند اجتماعی و تأثیر عدالت رویه‌ای بر قانون‌گریزی. برای به‌دست‌آوردن اثر کل، کافی است اثر مستقیم را با اثر غیرمستقیم جمع کنیم: $0/۳۵ = 0/۲۴ + 0/۰۶ + 0/۰۵$

نتیجه‌گیری

قوانین و مقررات به‌طور کلی مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور است که هدف آن، تأمین و ایجاد نظم در بستر جامعه و ابعاد آن است. از جمله مهم‌ترین قواعد قانونی جاری در جوامع امروزی، مقررات و هنجارهای رسمی مربوط به رفتار و کنش ترافیکی در حوزه رانندگی از سوی شهروندان جامعه است. با وجود تعریف رسمی - قانونی هنجارهای مربوط به رانندگی، اما هرروزه شاهد تخلفات عمده و زیاد در این بخش مهم حیات اجتماعی می‌باشیم. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی بود که «مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخلفات و قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی کدامند؟». نتایج پژوهش نشان داد که نزدیک به ۵۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان به‌طور متوسط و تا حدی زیادی مرتکب تخلف و سرپیچی از قوانین و مقررات رانندگی شده‌اند. این یافته‌ها تا حد زیادی با پژوهش‌های احمدی (۱۳۹۰) و میرفردی (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که سرپیچی و نظم‌گریزی از قوانین و رفتارهای ترافیکی گسترش دارد و یک مسئله اجتماعی است که خود این وضعیت به آسیب‌های اجتماعی چندگانه منجر می‌شود. یافته‌های تحلیلی بیانگر رابطه مثبت معکوس متغیرهای، پیوند اجتماعی، آگاهی قانونی و پنداشت از اجرای رفتار عدالت‌آمیز (برخورد مأموران پلیس، اعمال بی‌طرفی از سوی مأموران، رفتار توأم با احترام و اعتماد و...) با قانون‌گریزی و تخلف از قانون بوده است؛ به‌طوری‌که هرچه بیشتر شاهد آگاهی قانونی و میزان پیوند اجتماعی در قالب مشارکت و تعامل اجتماعی با

جامعه از سوی پاسخ‌گویان باشیم و همچنین به همین اندازه شاهد افزایش مقدار دریافت و درک عدالت رویه‌ای در بین پاسخ‌گویان باشیم، به همان اندازه شاهد کاهش و افت رفتارهای نظم‌گریزانه و قانون‌شکنانه می‌باشیم؛ یعنی واکنش و پاسخ شهروندان به هنجارهای قانونی توأم با احترام و رعایت قوانین می‌باشد. نتایج این قسمت با یافته‌های فیروزجاییان (۱۳۸۸)، امیرکافی (۱۳۹۳) و عبداللهی (۱۳۸۶) انطباق دارد.

از سوی دیگر، متغیر احساس آنومی رابطه مستقیم مثبت با قانون‌گریزی و تخلف از هنجارها و قواعد رسمی رانندگی دارد؛ یعنی هرچه احساس آنومی و بی‌اعتمادی به جامعه و اطرافیان بیشتر، میزان قانون‌گریزی بیشتر خواهد بود. یافته‌های این بخش نیز با پژوهش‌های چارلتون و جانسون (۱۹۹۲)، میرفردی (۱۳۹۲) و عزیزی (۱۳۹۴) هم‌خوانی دارد. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه مشخص شد که تمامی متغیرهای واردشده در معادله، رابطه معنادار با قانون‌گریزی داشته‌اند. در مدل تجربی به‌دست‌آمده مشخص شد که آگاهی از قوانین بیشترین تأثیر مستقیم را بر قانون‌گریزی داشته است؛ اما با محاسبه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم، متغیر احساس آنومی بیشترین تأثیر را به خود اختصاص داد (۰/۳۵). یافته‌ها به این معناست که تلقی و برداشت پاسخ‌گویان از جامعه و اطرافیان موجب شکل‌گیری وضعیت بدبینی و بی‌اعتمادی شده که ذهنیت نابسامانی^۱ و بی‌هنجاری را شکل داده و بر این اساس، شیوه عمل شهروندان در حوزه راهنمایی و رانندگی، جنبه فردی منفعت‌طلبانه به خود می‌گیرد و قانون در نزد آنان فاقد خصلت حقوقی الزام‌آور جمعی می‌شود. در چنین شرایطی، هرکدام از رانندگان دایره عمل خود را محدود به سود شخصی می‌کنند و هدف این خواهد بود که در کار یکدیگر مداخله نکنند و به هم آسیبی نرسانند؛ یعنی عمل اجتماعی فقط به صورت سلبی، نقش تنظیم‌کننده خواهد داشت. البته چنان‌چه پیش‌تر

1. Anomie

ذکر شد، اتخاذ این نوع راهبرد در بعد و اندازه وسیع تر و در تعاملات و رفت و آمدهای بیشتر، به بروز انواع آسیب‌ها و تخلفات منجر می‌شود که ضمن از دست دادن شاخصه خودتنظیم‌کنندگی به اختلال در نظم اجتماعی به‌طور کلی و به یک مسئله اجتماعی مبدل منجر شده که ناتوان از تضمین همکاری منظم نقش‌های اجتماعی پراکنده در جامعه و شهرهای کلان کشور شده است.

پیشنهادها

با امعان نظر در نتایج و یافته‌های تجربی پژوهش، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه مسئله بی‌نظمی و قانون‌گریزی از مقررات مربوط به راهنمایی و رانندگی، یک مسئله عام و فراگیر در سطح ملی است؛ لذا اتخاذ یک راهبرد عام همه‌جانبه و پایدار در سطح ملی که در آن همه گروه‌ها، نهادها و نمایندگان بخش‌های رسمی و غیررسمی دخالت داشته باشند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

- با اشاره به پیشنهاد قبلی می‌توان گفت از آنجایی که قانون، یک امر و میثاق ملی است که توسط دولت و هیئت حاکمه به عنوان ابزار کنترل رسمی اجتماعی به کار گرفته می‌شود و ضمانت اجرایی پیدا می‌کند، باید به‌عنوان سازوکار انسجام اجتماعی نگریسته شود و شکل‌گیری این وضعیت منوط به بسترسازی و همکاری مردم از طریق نهادهای مدنی و عضویت در آن‌ها است که در نهایت به مفاهمه و وفاق فرهنگی و اجتماعی منجر شود.

- با توجه به متغیر احساس آنومی و از طریق ارتقای شرایط پیشنهادی فوق، هم‌زمان موجب کاهش وضعیت احساس آنومیک در بین شهروندان می‌شود؛ چون در شرایط آنومیک، به سرخوردگی شهروندان رها شده بین سنت و مدرنیته و بین بخش‌های غیررسمی و رسمی، نارضایتی، برون‌گرایی و بروز بحران‌های اخلاقی و آسیب‌های

اجتماعی منجر می‌شود.

- با عنایت به معناداری و تأثیر زیاد آگاهی از قوانین در نزد پاسخ‌گویان پیشنهاد می‌شود که مسئولان دست‌اندرکار نظم و امنیت در جامعه (اعم از انتظامی و غیرانتظامی) با استفاده از رسانه‌های جمعی به آگاه‌سازی افراد و شهروندان جامعه بپردازند. رسانه‌های جمعی می‌تواند شامل استفاده از تمام نمادها و علائم همچون فیلم‌ها، بروشورها، تابلوها، تلویزیون، فضای مجازی و... باشد. البته ایجاد و بسترسازی فرهنگی باید از سطوح شخصیتی پایین‌تر و در مهدکودک‌ها و دبستان‌ها آغاز شود. ضمن اینکه ارائه آموزش مناسب هم زمان با ارائه گواهینامه به رانندگان و برگزاری کلاس‌های آموزشی با محتوای اجتماعی، فرهنگی و قانونی به رانندگان متخلف می‌تواند نقش مهمی در کاهش بی‌نظمی‌های اجتماعی راهنمایی و رانندگی داشته باشد.

- متغیر عدالت رویه‌ای نیز نقش مهمی در اتخاذ رفتارهای قانون‌گریز از سوی شهروندان داشت. سهم عمده‌ای از این عامل ناظر به رفتار مأموران راهنمایی و رانندگی در حین انجام وظیفه می‌باشد. برخوردهای توأم با احترام، بی‌طرفی در اعمال قانون و عدالت در اجرای قانون از سوی مأموران و پلیس راهنمایی و رانندگی به شکل‌گیری حس اعتماد و ذهنیت مثبت نسبت به قانون و مجری قانون منجر می‌شود و این خود می‌تواند تقویت‌کننده رفتار و کنش قانون‌مند از سوی رانندگان شود. بر این اساس، هم‌زمان باید به آموزش و برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت به مأموران راهنمایی و رانندگی در ارتباط با چگونگی و نحوه برخورد با شهروندان پرداخت.

- با اشاره به نقش متغیر پیوند اجتماعی می‌توان پیشنهاد داد که دست‌اندرکاران جامعه به تقویت سرمایه‌های اجتماعی مدرن و مشغول‌کردن جامعه به فعالیت‌های مفید بپردازند و این تنها وظیفه یک نهاد خاص نمی‌باشد، بلکه از جمله عوامل‌های پیوند فرد با جامعه می‌توان به ایجاد اشتغال، تسهیل ازدواج، تسهیل تحصیلات و... است که یک

امر ملی است. بر این اساس، هرچه افراد پیوند بیشتری با جامعه داشته باشند، رفتار و واکنش قانون‌مند همراه با احترام نسبت به قانون و مقررات جامعه خواهند داشت.

منابع

- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سید علی. (زمستان ۱۳۹۱). بررسی تأثیر ارتقای سطح سواد بر میزان تخلفات راهنمایی و رانندگی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهور*، سال اول، (۳)، ۳۷-۵۰.
- احمدی، حبیب. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ پنجم، تهران: سمت.
- احمدی، سیروس. (۱۳۹۰). بررسی آگاهی از قوانین راهنمایی و رانندگی و تخلف رانندگی در بین رانندگان. *فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک*، سال ششم، (۲۱)، ۱-۱۸.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی* (ترجمه رجب‌زاده و دیگران). تهران: سفیر.
- امیرکافی، مهدی. (تابستان ۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر تخلفات رانندگی موتورسواران (مطالعه‌ای در شهر کرمان). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۸ (۲)، ۵-۳۵.
- امیری، موسی. (۱۳۹۵). *تخلفات رانندگی چرا؟. سایت راهور*.
- بخارایی، احمد. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*. تهران: جامعه‌شناسان.
- بصیرت، شهریار بهزاد؛ دعاگویان، داود. (پاییز ۱۳۹۵). نقش رسانه‌ها در کاهش تخلفات رانندگی. *فصلنامه راهور*، سال پنجم، (۱۸)، ۱۶۹-۱۹۱.
- خسروشاهی، سید مهدی. (۱۳۷۴). *ترافیک تهران و عوامل مؤثر بر ایجاد مشکل آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

- دانایی فرد. حسن؛ آذر، عادل؛ صالحی، حسن. (۱۳۸۹). قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی. *فصلنامه دانش انتظامی*، سال یازدهم، (۳)، ۶۵-۷.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). بی‌هنجاری و خودکشی، در کتاب *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، نوشته کوزر لوئیس و روزنبرگ، برنارد (ترجمه فرهنگ ارشاد). تهران: نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۴). *درباره تقسیم‌کار اجتماعی* (ترجمه باقر پرهام). ویراست دوم، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- دیانا، کنال. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی معاصر* (ترجمه فریده همتی). چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. تهران: سروش.
- سایت پزشکی قانونی، استان خوزستان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. ویرایش دوم، چاپ هشتم، تهران: آوای نور.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. چاپ چهارم، تهران: سمت.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۸). *موانع قانون‌گریزی و راه‌های مقابله با آن، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. *مجله رفاه اجتماعی*، (۲۵)، ۱۹۳-۲۳۴.
- عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). بررسی علل قانون‌گریزی رانندگان متخلف، پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا. مرکز تحقیقات کاربردی.

- عصاریان، حسین؛ مهري، تقی. (پاییز ۱۳۹۵). بررسی نقش سامانه‌های هوشمند در کاهش تلفات انسانی در بزرگراه‌های شهر تهران. *فصلنامه راهور، سال پنجم، (۱۸)*، ۳۷-۷۳.

- علی بابایی، یحیی؛ فیروزجائیان، علی. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. *فصلنامه دانش/تنظامی، سال یازدهم، (۴)*، ۷-۵۸.

- فراست، مرضیه؛ صادقی، زهره. (۳۱ فروردین و ۱ اردیبهشت، ۱۳۹۰). بررسی انگیزه تخلفات از دیدگاه رانندگان وسایل نقلیه شخصی شهر اصفهان. *اولین همایش ملی ترافیک، ایمنی و راه‌های اجرای ارتقا آن، کرمان*.

- فیروزجائیان، علی اصغر. (۱۳۸۹). قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای). *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، (۴۲)*، ۳۸۱-۴۱۰.

- کلاتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران. (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، (۱۸)*، ۱-۲۳.

- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم؛ مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کثر رفتاری اجتماعی*. تهران. نشر آن.

- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۸). *بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). *بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران*. چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- معیدفر، سعید. (۱۳۸۰). نابسامانی اجتماعی یا سازگاری عرفی. نامه انجمن جامعه‌شناسی، (۳)، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران (۱)، ۸۳-۱۰۱.
- مؤمنی، حیدر؛ حیدری، حمیدرضا. (پاییز ۱۳۹۵). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر با توجه به نقش مدیریت هیجان در بین رانندگان شهر تهران. فصلنامه راهور، سال پنجم، (۱۸)، ۱۱-۳۵.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ امیری، راضیه. (پاییز و زمستان، ۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیک با نظم‌گریزی عابران پیاده (مورد مطالعه: شهر یاسوج). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره پیاپی ۶، ۲۵-۴۰.
- Bhushan. B. (1994). *Dictionary of sociology*. New Delhi. Anome.
- Chorlton, K. Conner M. & Janson, S. (2012). Identifying the Psychological Determinants of Risky Riding: An Application of an Extended Theory of Planned Behaviour. *Accident Analysis and Prevention*, 49: 142-153.
- Elliott, M. A. Armitage, C. J. & Baughan, C. J. (2005). Exploring the Beliefs Underpinning Drivers' Intentions to Comply With Speed Limits. *Transportation Research Part F*, 8: 459-479.
- Franzese, Robert, J. (2015). *The sociology of deviance; Differences, tradition, and stigma*, publisher. LTD, Springfield, Illinois.
- Hirschi, Travis. (1969). *Causes of Delinquency, Berkeley and Los Angeles*: University of California Press.
- Parker, D., Manstead, A. S., straddling, J. S. & Reason, J. T. (1992). Determinants of Intention to Commit Driving Violations, *Accid. Anal And prev*, 24(2): 117-131.
- Thie ,Alex. (2005). *Sociology; A Brief introduction*, Boston, MA 02116.
- Tunncliff, D. J, Watson, B., White, K. M., Hyde, M. K., Schonfeld, C. C. & Wishart, D. E. (2012). Understanding the Factors Influencing Safe and Unsafe Motorcycle Rider Intentions. *Accident Analysis and Prevention*, 49: 133-141.
- Tyler, T. R. & Huo, Y. J. (2000). *Trust and the rule of law*, NY; Russell sage foundation.
- Tyler, Tom R. (2001). *Trust and Law—Abidingness; A proactive model of social Regulation*. centre for Tax system integrity Reserch school of social

sciences *Australian National University Canberra*.ACT.ISSN 1444-8211.

– Tyler, Tom R. (2003). Procedural justice legitimacy and the effectiveness of law, *Crime and justice*, 30; 431-505.

– Tyler, Tom. R. (2006). Why people obey the law, *Princeton university press*.

– Warner, H. W. & Aberg, L. (2008). Drivers' Beliefs about Exceeding the Speed Limits. *Transportation Research Part F*, 11: 376- 389.

